



چند خط تاریخ

هنر، آمیخته با زندگی ایرانی است



هنر در عصر قاجار، از رشد و تنوع زیادی برخوردار شد و به‌رغم این که برخی از هنرهای رایج در دوران قبل از رونق افتاد، بسیاری از کارهای هنری، با قوت بیشتری به کار خود ادامه داد.
نگاهی به اشیای به‌رجامانده از دوسده گذشته نشان می‌دهد که ایرانیان، حتی در جزئی‌ترین چیزها و لوازم زندگی، نقش هنر را جدی می‌گرفتند. مثلاً روی کارد آشین‌خانه، دیگ و کاسه و دیگر لوازم، نقش‌های جذاب و خیره‌کننده حک می‌کردند. یکی از هنرهایی که ایرانیان برای تزیین کردن وسایل خود از آن بهره می‌بردند، خاتم کاری بود.
هانری دالمانی، جهانگرد فرانسوی که بیش از صدسال قبل سری به ایران زده‌است، در این باره می‌نویسد: «اثاث البیت (لوازم خانه) خاتم بسیار جالب‌توجهی از ایران به اروپاورد شده‌که متعلق به‌قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم است. این اشیا شباهت زیادی به کارهای ایتالیایی دارند. مرکز عمده این صنعت در شیراز است و چندی است که در اصفهان هم ساختن خاتم معمول شده‌است، این نوع موزائیک از این نظر ممتاز است که در آن قطعات کوچک عاج به‌کار رفته‌ونقشه‌آن‌هم مانند نقشه‌های قالی وقالیچه است. در خاتم کاری بیشتر گل‌های کوچک و ستاره‌های درخشان که از مواد مختلف ترکیب یافته‌اند، دیده می‌شود؛ یعنی قطعات کوچک منظمی از نی و مس و قلع و چوب و عاج، بریده و آن‌ها را در روی سطحی که قبلاً سریش زده‌اند، به ترتیب می‌چسبانند. خاتم کاری بیشتر در روی رحل و صندوقچه‌های کوچک و جعبه‌های آرایش صورت می‌گیرد و نیز ممکن است به موجب سفارش، اشیای بزرگ‌تری را از قبیل میز و صندلی و غیره خاتم کاری کنند. به‌راستی که هنر، در زندگی ایرانیان جاری و ب‌آن آمیخته شده‌است»

هنر نر نه دالمانی، سفرنامه‌از خراسان تابختیاری، ترجمه‌محمدعلی فروشی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵، ص ۳۷۴



تاریخ خاور میانه

کالاش‌ها؛ اعقاب سربازان اسکندر در پاکستان!

کالاش‌ها اقلیتی قومی و مذهبی هستند که در ناحیه «چیترال» واقع در ایالت سرحد که در شمال غربی پاکستان قرار دارد، زندگی می‌کنند.
ظاهر و اعتقادات کالاش‌ها کاملاً با مردم اطرافشان فرق می‌کند؛ موهای بور، چشمانی به رنگ روشن و البته مذهبی که رنگ و بوی مذاهب اولیه آریایی را دارد. آن‌ها ادعا دارند که اجدادشان، یونانی‌هایی بوده‌اند که در سپاه اسکندر، مدفونی خدمت می‌کردند! این ادعا، البته به هیچ طریقی قابل اثبات نیست و حتی مطالعات ژنتیکی هم نتوانست به پژوهشگران در این زمینه کمک کند.
کالاش‌ها در منطقه‌ای کوهستانی محصور هستند و البته چندان ارتباط خوبی با همسایگانشان ندارند. مطالعات انسان‌شناسی روی جمعیت شش هزار نفری آن‌ها نشان می‌دهد که چندان با اقوام همجوار خود اختلاط پیدا نکرده‌اند.

■ موارد مشابه

جالب این‌جاست که در آن سوی مرز، در ولایت نورستان افغانستان، اقوامی زندگی می‌کردند که تا قرن ۱۹ میلادی، اعتقاداتی بسیار شبیه به کالاش‌ها داشتند و البته بعداً، اعتقادات خود را تغییر دادند و شیوه زندگی دیگری را برگزیدند.
مورخان معتقدند که در اعتقادات کالاشی، رد پای ادیان اولیه آریایی‌ها وجود دارد. به باور این تاریخ‌نویسان، کالاشی‌ها به دلایلی ناشناخته، قرن‌ها خود را جدا از سایر اقوام نگه داشتند و به دلیل فقدان ارزش اقتصادی یا سیاسی منطقه محل زندگی آن‌ها، کمتر مد تعرض جهانگشایان قرار گرفته‌اند. اما درباره داستان ورود اسکندر و ماجرای بقایای سربازان یونانی، تا جایی که می‌دانیم، این جهانگشایی تا رد سند ادامه یافت و پس از آن متوقف شد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این ادعا، هم به لحاظ مطالعات تاریخی و هم به لحاظ مطالعات ژنتیکی، شکست خورده باشد!

بهداشت و درمان ایرانی با دیپلماسی امیرکبیر

میرز اتقی‌خان چرا و چگونه از فعالیت گروه‌های پزشکی خارجی در ایران دوره قاجار جلوگیری می‌کرد؟

جواد نوائیان رودسری—یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ دولت‌های استعماری در کشورهای استعمارزده، سوءاستفاده از نیازهای درمانی مردم این کشورهاست. طی چندسده اخیر، بسیاری از گروه‌های مسیونر مسیحی که کار اصلی‌آن‌ها، تبلیغ مسیحیت در جوامع اسلامی بود، با استفاده از ظرفیت درمانی و ایجاد مریض‌خانه و بیمارستان، سعی در نفوذ فرهنگی در میان مردم ایران داشتند.
ظاهر مهربان و انسان‌دوستانه‌ای که این گروه‌ها به خودمی‌گرفتند، در کنار بی‌تدبیری و فقدان حس مسئولیت در رجال سیاسی ایران عصر قاجار، شرایط را برای تکاپوهای بیشتر استعمارگران در عرصه فرهنگ فراهم کرد.

■ یک‌نمونه‌قابل‌اعتنا
به‌عنوان نمونه، در شهر مشهد، طی دهه ۱۲۷۰ تا ۱۲۹۰ خورشیدی، مریض‌خانه‌هایی توسط روس‌ها، انگلیسی‌ها و سپس آمریکایی‌ها در این شهر ساخته شد که متصدیان آن‌ها، عموماً کشیش‌هایی بودند که مأموریت‌های تبلیغی داشتند. شاید یکی از دلایلی که برخی از متدیان مشهد، به فکر ایجاد مریض‌خانه مدرن و رسیدگی به امور مردم در این عرصه افتادند، تکاپوهای گسترده گروه‌های تبشیری و تبلیغی اروپایی بود. در این زمینه، ذکر یک گزارش مفید به نظر می‌رسد؛ طبق گزارش دکتر یوسف متولی حقیقی در جلد نخست کتاب «تاریخ معاصر مشهد» در دهه ۱۲۷۰ خورشیدی و در پی زلزله و حشتناک قوچان، تمام شهر ویران شد؛ حاکم خراسان که ظاهراً برای سرکشی به این خطه رفته بود، از منازل سالم‌مانده، مالیات گرفت و بدون رسیدگی به وضع زلزله‌زدگان به مشهد بازگشت! اما روس‌ها با استقرار کمپ درمانی در نزدیک شهر، خدمات پزشکی رایگان به مردم ارائه می‌دادندو با این

پیش از آن، ترديد‌های جدی رجال وطن‌خواه درباره نقش‌دکتر کورمیک انگلیسی در قتل احتمالی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، امیرارابه‌راه اقدامات این پزشکان نفوذی دچار نگرانی کرده‌بود. به همین دلیل، با وجود همه محدودیت‌ها، رشته پزشکی‌را به عنوان یکی از اصلی‌ترین گرایش‌های تحصیل دارالفنون تعیین کرد تا بتواند با پرورش پزشکان ایرانی آشنا به‌علوم جدید، کشور را از زیر بار چنین وابستگی‌هایی آزاد کند. این یک اقدام جدی برای حفظ استقلال نهادهای درمانی جامعه ایران بود. با این حال، وجه دیگر این رویکرد را باید در تقابل جدی میرز اتقی‌خان بامسیون‌های مذهبی که به ظاهر، برای فعالیت‌های درمانی در ایران جولان می‌دادند، دید.
اوبه لطایف الحیل و با توجه به وضعیت پیش‌لزل ایران در آن دوره، سنگ می‌کوشید گروه‌های درمانی ایرانی راجایگزین آن‌ها کند.



■ دست‌رده‌سینه‌روس‌ها
در یکی از این اقدامات که اسناد آن در تاریخ ایران ثبت و ضبط شده‌است، میرز اتقی‌خان مانع از ایجاد یک مریض‌خانه مدرن در استرآباد (گرگان امروزی) شد؛ درحالی‌که این منطقه به چنین مرکزی نیاز داشت.
ظاهر امجدشاه قاجار در اوپسین ماه‌های عمر خود، در سال ۱۲۶۴ ه‍.ق (۱۲۲۶ خورشیدی)، طی یک مصالحه یا گفت‌وگو، به روس‌ها اجازه داده‌بود که در استرآباد مریض‌خانه‌ای مدرن برای ملوانان خودشان بنا کنند. این مرکز، البته به مردم محلی و ایرانیان نیازمند نیز، خدمات ارائه می‌کرد.
با ردگشت محمدشاه وافتادن‌امور به‌دست امیر، او در صدد برآمد که مانع از این اقدام شود. باید توجه داشت که ممانعت از خواست روس‌ها در این زمان، چندان ساده و ممکن نبود؛ آن‌ها بر اساس عهدنامه‌ترکمانچای، حامی سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بودند و حتی خود را برای دخالت در امور کشور، کاملاً محق و دارای صلاحیت می‌دانستندومی‌توانستند هر زمان، از قدرت نظامی‌شان به ضرر ایران استفاده کنند. از طرفی، عمّال آن‌ها و همین‌طور انگلیسی‌ها، در همه جا نفوذ داشتند و کار تقابل را سخت می‌کردند. «دالگورکی» سفیر روسیه، در گفت‌وگویی با امیرکبیر، مجوز احداث مریض‌خانه و فعالیت‌های درمانی را در استرآباد، کاملاً قانونی می‌دانست و مدعی بود که «کلام پادشاهی را جمیع خلایق مقدس می‌شمارند و نقض آن را جایز نمی‌دانند». کارل نسلرود، وزیر خارجه روسیه تزاری نیز، اظهار کرده بود: «منشور سلطنت در بنای بیمارستان صادر گردیده و تعهد ناشی از آن، اعتبار عهدنامه را دارد.»
ظاهر احاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه نیز، قول‌هایی شفاهی در این زمینه به روس‌ها داده و این رویه، آن‌ها را برای فعالیت در این زمینه، گستاخ‌تر کرده بود. اما مسئله‌ای که در این جاشانس‌رد ادعای روس‌ها را به امیر داد، فقدان مکتوب یا سند قابل ارائه‌بود.

گدایی به دنبال شاه؛ نمایی از انگلیس واقعی

و سود سرشاری را به جیب سرمایه‌داران این کشور روانه کرد. با این حال، تصویری که در قاب تاریخ امروز می‌بینید، چهره واقعی آن همه پیشرفت اقتصادی در دنیایی است که لیبرال سرمایه‌داری برای مردم تحت سلطه خود تصویر می‌کند. مردی گدا برای دریافت سکه‌ای در پی کالسکه‌شاه می‌دود و جورج ابداتوجهی به‌وی ندارد. از زمان برداشتن این عکس، تقریباً ۱۱۰ سال گذشته‌است؛ اما در وضعیت طبقات فرو دست جامعه غرب، چه در اروپا و چه در آمریکا، اثری از تبلور وعده‌های نظام سرمایه‌داری برای افزایش رفاه نیست.



نسبتاً خوب بود. خودرویی با شش سیلندر که بنزین را می‌بلعید! ۲۱۹۵ سی.سی ظرفیت موتورش بود و توانی معادل ۹۹ اسب بخار داشت. با چنین خودرویی، پلیس‌ها یا به قول قدیمی‌ها، آجان‌های ایرانی می‌توانستند با سرعتی معادل ۱۶۰ کیلومتر به دنبال مجرمان بروند.
دبلیو. ۱۸۰، سرعت بالایی داشت، اما مانند اس. ۱۷۰، مستحکم و قوی نبود و نمی‌شد خیلی روی آن در جاده‌های خاکی حساب کرد. با این حال، تقریباً تا اواخر دهه ۱۳۴۰، دبلیو. ۱۸۰ در ساختار پلیس ایران باقی ماند.

■ دبلیو. ۱۸۰؛ بنزین‌خوار کم‌توان

بی‌تردید، بعد از دوران خودرو سواری پلیس‌های ایران با بنز اس. ۱۷۰ و فولکس قورباغه‌ای، ملحق شدن مرسدس بنز دبلیو. ۱۸۰ به‌بیشتر آن‌ها را آمریکایی‌ها می‌ساختند و به اسم کارخانه بنز به دولت‌های جهان سومی قالب می‌کردند، یک انتخاب

تاریخ



تاریخ جهان

چشم‌بادامی‌ها چگونه تن به کاپیتولاسیون دادند؟



پیش از آن که چین برای مدت حدود یک قرن، زیر سلطه استعماری دولت‌های مختلف قرار گیرد، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها با واردات گسترده تریاک به این کشور پر جمعیت و درگیر کردن بخش مهمی از نیروی مولد آن با مواد افیونی، استعمار این کشور بزرگ را آغاز کرده‌بودند.
چینی‌ها خیلی دیر فهمیدند که نکبت مواد مخدر، چه بر سر آن‌ها می‌آورد. اقدام دبیر هنگام امپراتور «یونگ ژنگ» در فرستادن «لی‌زن شو»، مأمور پاک‌دست خود به شهر کانتون، مرکز توزیع مواد مخدر و به‌آتش کشیدن محموله‌های افیون، نتوانست مانع از تسلط غربی‌ها بر چین شود. جنگ نخست تریاک در سال ۱۸۴۰ با ورود ناوگان انگلیس به رودخانه یانگ‌تسه و شکست سخت چینی‌ها تمام شد و به این ترتیب، آن‌ها ناچار به پذیرش تعهدات استعماری شدند؛ هنگ کنگ به بریتانیا واگذار شد. پنج بندر چینی که انگلیسی‌ها در آن حق اقامت و تجارت داشتند، به مدت صدسال، بارانداز ورود تریاک به خاک چین شد، آن‌هم بدون محدودیت. از همه مهم‌تر، گرفتن امتیاز کاپیتولاسیون برای اتباع انگلیس بود؛ شهروندان بریتانیا که در چین به ارتکاب جرم می‌پرداختند، باید در دادگاه‌های انگلیسی محاکمه می‌شدند و افزون بر این، عوارض واردات و صادرات به دلخواه انگلیسی‌ها تعیین می‌شد. چند سال بعد از این قرارداد، ننگین، چینی‌ها ناچار شدند چنین امتیازاتی را به آمریکایی‌ها، روس‌ها و فرانسوی‌ها هم بدهند؛ به این ترتیب، نکبت جنگ تریاک برای ۱۰۰ سال دامن چشم‌بادامی‌ها را گرفت.



مکان‌های تاریخی

غار «پیده»؛ تونل ماقبل تاریخ ایران



۷۱ سال قبل، هنگامی که رومن گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی اوکراینی‌تبار، در منطقه لالی خوزستان مشغول بررسی آثار تاریخی بود، سر از غاری درآورد که در زبان محلی، «پده» نامیده می‌شد. او در این غار عجیب، قدیمی‌ترین بقایای انسانی در فلات ایران را یافت؛ بقایایی از زیستگاه بشر، مربوط به ۱۵ هزار سال قبل. غار آه‌ای پید، جایی در مرز دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان قرار دارد؛ در دل کوهی به نام «انبار سفید». مکانی دنج که انسان‌های اولیه، آن را برای زیست مناسب دیدند و بعد از آن‌ها هم، احفادشان به نظر اجداد احترام گذاشتند و در دل غار ماندند. مکانی امن که شاید برای کسانی که عادت به چنین جاهایی ندارند، خوف‌ناک باشد؛ با جانوران عجیب و حشرات خاصی که احتمالاً در نقاط دیگر یافت نمی‌شوند. هنوز هم اگر افراد کنجکاو سری به داخل غار بزنند و به جست‌وجو بپردازند، ناامید نمی‌شوند و می‌توانند با قطعه‌ای از اشیای باستانی، از دل غار بیرون بیایند؛ کما این که سارقان عتیقه‌دایم در داخل غار مشغول بازیگوشی هستند! برخی معتقدند که تقریباً از دوره سومری‌ها در هزاره هفتم پیش از میلاد به این سو، ساکنان فلات ایران غارپدیه را می‌شناختند و در مواقع ضروری، از آن به عنوان جان‌پناه استفاده می‌کردند.
بحارای‌های نه‌چندان هنرمندانه داخل غار، برای ردست کردن مکان استراحت سنگی، نشان می‌دهد که اقامت در این مکان، معمولاً طولانی بوده و شاید تمام ایام زمستان را در بر می‌گرفته‌است. یکی از دلایل اقبال انسان‌ها به زیست در غار پیده، کوچک بودن دانه‌ورود و فراخ بودن محوطه داخلی است. به غیر از آثار تاریخی ماقبل تاریخ، ردپای زندگی عشایر طی سده‌های قبل، همه‌جای غار پیده دیده می‌شود. با این حال، جای بسی تأسف است که درباره کهن‌ترین زیستگاه شناخته‌شده انسان در فلات ایران، هنوز کاوش دقیق و بررسی‌های همه‌جانبه انجام نشده و این مکان جذاب برای جهانگردان، همچنان چشم انتظار نگاه پر محبت مسئولان و تلاش‌های مؤثر باستان‌شناسان است.